

Explaining the Ontological Foundations of the Ethics of Happiness And Deducing Its Implications in the Principles of Moral Education From the Point of View of Ayatollah Javadi Amoli

Ahmad Talei Fard¹ | Akbar Rahnama² | Ruqieh Mousavi³

Abstract

The purpose of the current research is to explain the ontological foundations of the ethics of happiness and to deduce its implications in the principles of moral education from the point of view of Ayatollah Javadi Amoli. The research method is inferential and in order to collect the necessary data to achieve the goals of the research, existing and related sources in the field of ontology and quranic ethics of Ayatollah Javadi Amoli were collected and analyzed in six steps by using the sheets of sources. has taken. The results of the research show that the truth of happiness from Ayatollah Javadi Amoli's point of view is a natural-rational request and its stimulation depends on the quality of moral education and when this desire emerges, the human soul finds purity and enlightenment and provides optional conditions for its stimulation provided. Otherwise, this desire remains hidden under the veil of worldly and natural desires that are against nature and rationality. Such a natural-rational desire is based on ontological foundations such as being from him and towards him, being purposeful, moving towards absolute perfection, dependence on justice, being based on nature, human dignity and honor in relation to other creatures. from these foundations, one can reach principles such as godliness, wisdom, perfectionism, justice, faith, naturalism, and dignity, which can be used in moral education leading to happiness.

Keywords: The Ethics of Happiness, the Foundations of Ontology, the Principles of Moral Education, Ayatollah Javadi Amoli.

56

Vol. 30
Autumn 2022

Research Paper

Received:
9 October 2021
Accepted:
29 November 2021
P.P: 59-86

ISSN: 2251-6972
E-ISSN: 2645-5196



DOR: 20.1001.1.22516972.1401.30.56.2.1

1. Zadeh: Ph.D. Candidate, Department of philosophy of education, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Shahid University, Tehran, Iran.

2. Corresponding author: Associate Professor, Department of Educational Sciences, Shahid University, Tehran, Iran. Rahnama_akbar43@yahoo.com

3. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Shahid University, Tehran, Iran.



۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

۲. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. Rahnama_akbar43@yahoo.com

۳. دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

تبیین مبانی هستی‌شناسی اخلاق سعادت و استنتاج دلالت‌های آن در اصول تربیت اخلاقی از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

احمد طالعی فرد^۱ | اکبر رهنما^۲ | رقیه موسوی^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین مبانی هستی‌شناسی اخلاق سعادت و استنتاج دلالت‌های آن در اصول تربیت اخلاقی از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی است. روش پژوهش استنتاجی بوده و به‌منظور گردآوری داده‌های لازم جهت نیل به اهداف پژوهش، منابع موجود و مرتبط در قلمرو هستی‌شناسی و اخلاق قرآنی آیت‌الله جوادی آملی با استفاده از برگه‌های فیش‌برداری از منابع، جمع‌آوری و طی شش گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که حقیقت سعادت از نگاه آیت‌الله جوادی آملی یک درخواست فطری-عقلانی است و تحریک آن به کیفیت تربیت اخلاقی بستگی دارد و وقتی این خواست ظهور می‌کند که روح انسان با یافتن صفا و نورانیت و فراهم آوردن شرایطی اختیاری زمینه تحریک آن را فراهم آورد. در غیر این صورت این خواست در زیر حجاب خواسته‌های دنیایی و طبیعی مخالف با فطرت و عقلانیت مستور می‌ماند. چنین خواست فطری-عقلانی مبتنی بر مبانی هستی‌شناختی مانند از اویی و به‌سوی اویی بودن، هدفمندی، حرکت به سوی کمال مطلق، وابستگی به عدالت، مبتنی بر فطرت بودن، کرامت و شرافت انسان نسبت به دیگر مخلوقات می‌باشد. از درون این مبانی می‌توان به اصولی مانند خدابینی، حکمت‌مداری، کمال‌گرایی، عدالت‌طلبی، ایمان‌گرایی، فطرت‌گرایی و عزتمندی رسید که قابلیت کاربست در تربیت اخلاقی منتهی به سعادت را دارند.

کلیدواژه‌ها: اخلاق سعادت؛ مبانی هستی‌شناسی؛ اصول تربیت اخلاقی؛ آیت‌الله جوادی آملی.

مقدمه

بدون تردید خوب زیستن و رسیدن به سعادت، آرزوی هر انسانی است (پورتر^۱، ۲۰۱۴: ۱۸). آدمی همیشه در پی دستورات و فرامینی بوده است که بتواند با عمل به آن‌ها، مناسبات خود را با دیگران شکل بخشد تا از این طریق عمر خود را بگذراند و بقای حیات خویش را تضمین کند. از این رو، آدمی نیازمند نظام ارزش‌ها بوده است؛ نظامی که خوب و بد را برای او معین کند و در پیچ‌وخم زندگی راهنمای او باشد. از جایگاهی که انسان در دوران زندگی خود به آن می‌رسد و در اختیار او نیز هست، به کمال و سعادت رسیدن است (رحمانی، ۱۳۹۷: ۲). سعادت از امور ذاتی و بدون علت نیست زیرا جزء ذات انسان و یا لازمه ماهیت او نیست بلکه از امور وجودی می‌باشد که معلول علت خود بوده و نه تنها نیازمند علت است بلکه با اختیار و اراده انسان به دست می‌آید؛ پس مبدأ سعادت، عقاید راستین و اخلاق نیکو و کارهای شایسته است. سعادت یکی از مفاهیمی است که در اخلاق و فلسفه اخلاق همواره مورد بحث بوده و هست. به صورت مختلفی به سعادت نزد فیلسوفان اخلاق توجه شده است. ارسطو که به عنوان فیلسوف سعادت محور یاد می‌شود سعادت را غایت فعل اخلاقی می‌داند (خواص، ۱۳۸۱: ۴). آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۹۲) اعتقاد دارند که سعادت انسان در رسیدن به عدالت به معنای وسیع آن است که همان عدالت کبری است. رسیدن به عدالت کبری در گرو شناخت مبدأ و معاد و آگاهی از نحوه پیمودن مسیر از مبدأ تا معاد است که هر سه، دین را معرفی می‌کند. بر اساس دیدگاه ایشان سرمایه انسان برای رسیدن به سعادت، شناخت صحیح و اعمال اختیاری متناسب با این شناخت است. از روزهای آغازین تولد آکادمیک فلسفه، سعادت نقشی اساسی در اخلاق داشته است. البته ایشان در جایی دیگر بیان می‌کنند: «سعادت و بهجت آن است که انسان سعید مبتهج با نیل به آن، از ناآرامی برهد و به دارالقرار برسد. بهره‌های حسی و لذت‌های خیالی و وهمی، نه سود آسایش را دارد و نه از گزند التهاب و ناآرامی مصون است؛ بلکه همواره گرفتار تکاثر «هل من مزید» می‌باشد. لیکن بهره‌های عقلی که هم از جهت عقل نظری با معارف ربوبی همراه است و هم از جهت عقل عملی با اخلاص نیت هماهنگ می‌باشد. در سایه وصول به کوثر «رب زدنی علماً» و در پرتو صراحی ساقی شراب طهور، وسیله است تا صاحبان چنین مقامی، آنچه را میسور دیگران نیست، بنگرند؛ یعنی هم از ملاحظه جمال ابد

1. Porter

و هم از معاینه جلال سرمد طرفی ببینند» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۷۰). بنا بر نظر ایشان انسان‌ها در انتخاب سعادت و شقاوت کاملاً مختار هستند، اما فطرتاً به سعادت گرایش دارند. دیگر این که سعادت دو جنبه مادی و معنوی دارد. البته منهای سعادت معنوی و اخروی سعادت وجود ندارد و حیات کسانی که صرفاً به توسعه مادی توجه دارند، حیات انسانی نیست (جوادی آملی، ۱۳۹۷ الف: ۴۵۰).

آیت‌الله جوادی آملی که اصالت را برای روح و بُعد معنوی انسان قائل است، کمال و سعادت را فراتر از دنیای مادی می‌داند و معتقدند: «سعادت مرهون علم صائب و عمل صالح است و عمل صحیح افزون بر صفای روح و طهارت دل، سلامت و سعادت فرد و جامعه را به ارمغان می‌آورد» (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۱۶: ۲۴۷). از نگاه ایشان، اختصاص دادن سعادت به جسم یا روح به تنهایی نوعی افراط و تفریط است و آنان که کمال و سعادت را چنین تفسیر می‌کنند، معلوم است که نه از دین اطلاع کافی دارند و نه از موارد سعادت و شقاوت انسان مطلع‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۰ الف: ۳۴۴). با این وصف تلقی سعادت در امور مادی، لذت‌های دنیوی و دل‌بستگی و بهره‌مندی هرچه بیشتر از متاع دنیا، تصور ناصواب از حقیقت سعادت است؛ چرا که غایت کمال و سعادت انسان، آخرت است نه دنیا. آیت‌الله جوادی آملی به شدت با این اندیشه که تصور شود مفهوم سعادت و شقاوت، منحصر به حیات دنیوی انسان است، مخالف است؛ چرا که باید حیات و عمر کامل او لحاظ شود، نه بخشی از زندگی‌اش که در دنیا سپری می‌شود. انسان در دنیا بخشی از زندگی را طی می‌کند که ادامه آن در حیات دیگر (آخرت) است و سعادت، مفهومی اعم است که هر دو نشئه را باید شامل شود. از این رو، حقیقت سعادت به دنیا و یا آخرت محدود نمی‌شود. ماهیت و حقیقت سعادت ملازم جسم و روح است و برای سلامت هر دو باید تلاش کرد، توجه به هر کدام بدون دیگری سعادت نخواهد بود و تعالیم دین با هرگونه افراط و تفریط در این باب مخالف است. هرچه انسان به تن پیردازد از انسانیت خود دور می‌ماند (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۵: ۲۹۴). با این نگاه می‌توان گفت که حقیقت سعادت از نگاه آیت‌الله جوادی آملی، تلاش و درخواست فطری - عقلانی برای تعالی روح، رعایت سلامت جسم و اهتمام به کمال وجودی و شکوفایی عقل در مقام نظر و عمل است که انسان را به مقام قرب الهی می‌رساند (جوادی آملی، ۱۳۸۱ الف: ۱۷).

با توجه به مطالب مقدماتی، پژوهش فعلی سعی دارد به تبیین مبانی هستی‌شناسی اخلاق سعادت از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی بپردازد و دلالت‌های آن را برای اصول تربیت اخلاقی استخراج نماید. این مقاله نوشته شده چون دغدغه نویسندگان این است که مفهوم زندگی این نیست که انسان مدام خود را به لذت و رنج‌های دنیوی منحصر نماید بلکه زندگی ابدی و جاودانه نیز با رنج‌ها و لذت‌های متناسب با اعمال انسان در راه است و این انسان می‌باشد که می‌تواند زندگی زودگذر و فانی را انتخاب کرده یا به سوی سعادت جاودانه و ابدی برود. دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی که مبتنی بر آموزه‌های قرآنی و حدیثی است اعتدال را مراعات کرده و برای بهره‌گیری از لذت‌های مادی و معنوی حد-مرز بس عالی و انسانی را تعیین نموده و پیروی از آن سبب تربیت اخلاقی خواهد شد که صلاح و فلاح دنیا و آخرت مترقی را مدنظر دارد.

۲. مبانی نظری

۲-۱. هستی‌شناسی

هستی‌شناسی یکی از مؤلفه‌های مهم فلسفه است که به تبیین نظام‌دار امور کلی جهان و واقعیت هستی می‌پردازد و می‌تواند در مشخص کردن سعادت حقیقی کارساز باشد (نادی نژاد، ۱۳۹۲: ۲). افینگهام^۱ (۲۰۱۳) از مقدس بودن هستی‌شناسی و آثار پیرامونی آن در تربیت می‌نویسد. پولی و همکاران^۲ (۲۰۱۱) هم هستی‌شناسی را خط مقدم فلسفه دانسته‌اند که به تحلیل جهان آفرینش و وجود حقیقی که آن را اداره می‌کند، می‌پردازد. عباسی مطلق (۱۳۹۹) اعتقاد دارد که هستی‌شناسی، نوع برداشت و طرز تفکری است که یک مکتب درباره جهان و هستی عرضه می‌دارد و زیرساز و تکیه‌گاه فکری آن مکتب به شمار می‌رود. بخشی از این زیرساز و تکیه‌گاه را با نگرش انسان از جهان هستی ارتباط دارد و بر اساس آن اقدام به تعبیر و تفسیر جهان هستی می‌کند را اصطلاحاً جهان‌بینی می‌نامند. تمامی ادیان، مکاتب، آیین‌ها و فلسفه‌های اجتماعی متکی به نوعی جهان‌بینی بوده است. از همین روی مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها در زندگی و رفتار انسان است که مایه سعادت و کمال انسان در دنیا و آخرت می‌گردد. در جهان‌بینی پیش‌ها، گرایش‌ها، روش‌ها و کنش‌های انسان مشخص می‌شوند و شکل می‌گیرند. پس هستی‌شناسی و جهان‌بینی، ارتباط همسویی با حوزه عملی او در ارتباط با خداوند، خود و دنیا خواهد داشت. آنچه آیت‌الله

1. Effingham

2. Poli et al

جوادی آملی در مورد هستی‌شناسی نظر دارند را می‌توان این‌گونه توصیف کرد که زیرمجموعه علم فلسفه است و در راستای شناختن هستی و قوانین موجود در آن کاربرد دارد. سنگ بنای هستی‌شناسی بر مطالعه هستی و امور مرتبط با آن نهاده شده است جوادی آملی، (۱۳۸۵: ۲۷). در دیدگاه ایشان هستی‌شناسی وابسته به جهان‌بینی الهی است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۷۳).

۲-۲. سعادت

سعادت واژه‌ای است که در فلسفه اخلاق مطرح است و غایت انسان را در نظر می‌گیرد و نظام‌ها و مکاتب اخلاقی هر کدام از زاویه‌ای به آن نگاه کرده‌اند. در این میان آیت‌الله جوادی آملی حکیمی متأله است و بر اساس مبنای اصالت وجود در حکمت متعالیه، سعادت را امری وجودی و شقاوت را عدمی به معنای ترک افاضه وجودی خداوند سبحان می‌داند. اگر در حکمت نظری در مسئله اصالت وجود، سخن از آن است که وجود، منبع هرگونه شرافت است و اگر در مسئله معاد، سخن از سعادت و شقاوت انسان‌ها گفته می‌شود، همه این مطالب با تحلیل فلسفی به هستی و نیستی برمی‌گردد، زیرا آنچه از هستی برخوردار است، منشأ اثر است و آنچه از درجه بالای هستی برخوردار است، مبدأ آثار وجودی بیشتر خواهد بود، برعکس آنچه درباره نیستی طرح می‌شود که منشأ انتزاع هرگونه شر، عدم می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۳۶۱). وی بر این باور است که در تمامی مواردی که سخن از هدایت، سعادت و خیر باشد، افاضه وجودی خداوند رحمان مطرح است و در مواردی همچون ضلالت، شقاوت و شر، جز ترک افاضه وجودی خداوند سبحان چیزی در میان نیست: «مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمَسِّكُ فَلَا يُرْسِلُ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (فاطر/۲)، دری که خدا از رحمت به روی مردم بگشاید هیچ‌کس نتواند بست و آن در که او ببندد هیچ‌کس جز او نتواند گشود و اوست خدای بی‌همتای با حکمت و اقتدار. در این آیه از جریان عمومی فیض خداوند به باز شدن درهای رحمت یاد شده است که هیچ عاملی توان بستن آن را ندارد و از آنچه برخلاف فیض خداوندی باشد، به امساک فیض و تعطیل رحمت تعبیر شده است، زیرا اگر رحمت الهی به امری تعلق نگیرد، چیزی در آن یافت نمی‌شود و همین یافت نشدن وجود و فقدان کمالات وجودی انسان که منشأ انتزاع مفاهیم عدمی می‌گردد. اگر انسان واقعیتی بود که با هیچ‌یک از دو طرف سعادت و شقاوت ارتباط وجودی نداشت، رابطه‌اش با هر دو طرف یکسان بود و در نتیجه هر دو طرف برای او خیر می‌بود (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۲۷۵).

۲-۳. اخلاق سعادت

دانشی که با واکاوی فضایل و رذایل سعادت انسان را تبیین می‌کند و راه‌های نیل به آن را باز می‌شناساند اخلاق نام دارد. اخلاق گستره‌ای دارد و تلاش‌های فراوانی در آن از قدیم تا عصر جدید ملاحظه می‌شود. رویکردها و نظریه‌های مختلفی در عرصه اخلاق مطرح شده که هر کدام بر اساس فلسفه پیش فرض خود نظری را در مورد سعادت انسان ابراز و مختصاتی را مدنظر قرار داده‌اند. به‌طور عمده رویکردهای نظری اخلاق سعادت را می‌توان در دو وجه مادی و معنوی تقسیم نمود. انسان دنیاپرست و مادی که هنوز متخلق به اخلاق خدایی نشده و با ادب الهی بار نیامده تنها و تنها کامیابی‌های مادی را سعادت می‌داند و کمترین اعتنایی به سعادت روح و کامیابی‌های معنوی ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۹۹). درحالی‌که در وجه معنوی اعتقاد بر این است که دنیا زمینه‌ساز و مقدمه‌ای بر سعادت اخروی است (همان: ۴۰۹). انسان در این وجه به قدری می‌تواند در درک رابطه سعادت مادی و معنوی پیش برود که بفهمد هویتش وابسته به مبدأ و منتهای هستی یعنی خدا و برنامه هدایتی مورد تأیید اوست.

جدول ۱. برخی پیشینه‌های مرتبط با مسئله پژوهش

پژوهشگر/پژوهشگران	عنوان پژوهش	خلاصه‌ای از یافته‌ها
امیری (۱۳۹۷)	جایگاه آبادانی دنیا در سعادت انسان از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی	اهمیت و جایگاه عمران و آبادانی دنیا به‌عنوان عمل عبادی، از دو حیث شخصی و حکومتی با استناد به آیات قرآن کریم توضیح داده شده و نقش ادراکات حسی و پیشرفت‌های مادی در تعمیق معرفت توحیدی، روشن گردیده است.
محسنی (۱۳۹۳)	سعادت از منظر فلسفه‌های مشاء، اشراق و حکمت متعالیه	سعادت حقیقی همان است که در بُعد نظری با ادراک معقولات و اتصال به مجردات و در بُعد عملی با استیلا بر بدن به دست می‌آید.
امینی مشهدی و آهنچیان (۱۳۹۳)	تربیت اخلاقی و سعادت در نظام آموزشی ایران؛ مقابله دیدگاه فارابی، لاک، رورتنی	میان مفهوم حقیقت نجات‌دهنده رورتنی با دیدگاه فارابی و لاک و نیز هدف‌های نظام آموزش و پرورش کشور انطباقی وجود ندارد.

<p>به حقیقی بودن سعادت، ارادی و فطری بودن آن، راه آگاه شدن از سعادت‌مندی خود و چگونگی مراقبت از آن و کافی نبودن عقل برای رساندن آدمی به سعادت پرداخته شده است.</p>	<p>سعادت متعالیه از منظر آیت‌الله جوادی آملی</p>	<p>لک زایی (۱۳۹۰)</p>
<p>سعادت در اندیشه سیاسی و اجتماعی آیت‌الله جوادی آملی مطرح شده است.</p>	<p>مفهوم و جایگاه سعادت در اندیشه سیاسی - اجتماعی علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی</p>	<p>باقری (۱۳۸۹)</p>
<p>از نظر مشهور فیلسوفان مسلمان جوهره اصلی تحقق عینی و حصول فعلی سعادت در نفس انسان را معرفت فلسفی به عالم وجود شکل می‌دهد که عالی‌ترین مرتبه آن در اتصال به منزلت عقل فعالی متجلی است.</p>	<p>بازاندیشی نظریه سعادت در فلسفه اسلامی</p>	<p>حسینی (۱۳۸۹)</p>
<p>سعادت باید به‌خودی‌خود والاترین هدف باشد، نه فقط وسیله‌ای برای رسیدن به هدف دیگر. به‌عنوان مثال، ثروتمندی نمی‌تواند کسی را واقعاً سعادت‌مند کند، زیرا ثروت وسیله‌ای برای رسیدن به هدف است، نه خود هدف.</p>	<p>تحلیل سعادت از منظر ارسطو</p>	<p>شاو ۱ (۲۰۱۸)</p>
<p>خداياوری انگیزه بهتری برای اخلاقی بودن افراد عقلاً منفعت‌طلب فراهم می‌کند.</p>	<p>اخلاق و سعادت</p>	<p>کلارک و ساموئل ۲ (۲۰۱۱)</p>
<p>انسان درعین‌حال که در جستجوی سعادت است، این سعادت باید سعادت باشد که بارزش‌های ذاتی فضیلت و اهتمام به دیگران، سازگار باشد؛ بنابراین برای دستیابی به سعادت می‌بایست به بازبینی نگرش‌های معمول درباره زندگی پردازد.</p>	<p>اخلاق سعادت</p>	<p>آناس ۳ (۱۹۹۳)</p>

1. Shau
2. Clark & Samuel
3. Annas

۳. پیشینه پژوهش

همان‌طور که مشاهده می‌گردد این آثار عمدتاً به بررسی سعادت از منظر فلسفه‌های مشاء، اشراق و حکمت متعالیه، سعادت از دیدگاه فلسفه و دین، سعادت در نظام آموزشی ایران و لذت و سعادت از دیدگاه قرآن کریم پرداخته‌اند و هیچ‌کدام محوریت هستی‌شناسی اخلاق سعادت از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی مدنظر نبوده است.

۴. سؤال پژوهش

مبانی هستی‌شناسی اخلاق سعادت از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی کدام‌اند و چه دلالت‌هایی در اصول تربیت اخلاقی دارند؟

۵. روش پژوهش

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر، استنتاجی است به‌طوری‌که مبانی مختلف از نظر هستی‌شناسی مورد تبیین قرار گرفته و دلالت‌های آن برای اصول تربیت اخلاقی استنتاج شده است. به‌منظور گردآوری داده‌های لازم جهت پاسخ به مسئله پژوهش، منابع موجود و مرتبط در قلمرو هستی‌شناسی و اخلاق قرآنی آیت‌الله جوادی آملی با استفاده از برگه‌های فیش‌برداری از منابع، جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. کیفیت تحلیل بدین‌صورت بود که در گام اول اطلاعات موجود در محیط پژوهش (نمونه پژوهش) چند بار مطالعه شد و سعی گردید به درک عمیقی از آن‌ها رسید. در گام دوم کلیدواژه‌ها و عبارات مناسب برای جستجوی هدفمند مشخص شدند. در گام سوم مضامین خام ذیل خوشه مبانی هستی‌شناختی اخلاق سعادت استخراج گردیدند. پردازش و ترکیب داده‌ها ذیل خوشه مبانی به‌دست آمده گام چهارم بود. در گام پنجم اقدام به استخراج اصولی از مبانی هستی‌شناختی اخلاق سعادت برای تربیت اخلاقی شد. گام ششم نیز تنظیم و ویرایش نهایی مربوط به هر مبنا و اصل بود تا قابلیت ارائه به‌صورت علمی و آکادمیک داشته باشد.

۶. یافته‌ها

۶-۱. مبانی هستی‌شناسی اخلاق سعادت و دلالت‌های آن در اصول تربیت اخلاقی

الف) هستی و متعلقات آن واجد ماهیت از اویی و به‌سوی اویی است.

طبق آیه شریفه «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/۱۵۶) مبدأ و مآل هستی چیزی جز وجود مقدس خداوند نیست. بر انسان لازم است که همواره مبدأ و مقصد و راه بین دو را بشناسد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۶: ۲۴۳). مطابق این مبنا، همان‌طور که جهان هستی به حق و عدل وجود یافته و خداوند خود غایت هستی است؛ بنابراین سعادت انسان زمانی تحقق می‌یابد که ماهیت «از اویی» داشته باشد و به‌سوی «او» نیز در حرکت باشد به عبارتی سعادت هنگامی محقق می‌شود که انسان خود و خدا را بشناسد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۳: ۳۳۸) و با توجه به آنچه خداوند در اختیار او گذاشته به‌سوی مقصد که همان رسیدن به قرب الهی است گام بردارد (جوادی آملی ۱۳۸۵: ۲۲۷). چنین فردی بی‌گمان به کسب لذت و سعادت دست خواهد یافت (جوادی آملی، ۱۳۹۰ الف: ۳۲۸). آیت‌الله جوادی آملی شرط نیل به سعادت را اعتقاد به توحید و موحد بودن می‌داند در این مورد می‌فرماید: «توحید هر موحدی بهای جنت مناسب اوست؛ زیرا جنت درجاتی دارد؛ چنانکه قرآن می‌فرماید: «وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ» (الرحمن/۴۶) یا می‌فرماید: «وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّاتٍ» (الرحمن/۶۲) در قیامت چندین بهشت هست؛ ولی عالی‌ترین آن جنت اللقاء است و این مخصوص گران‌بهاترین توحید یعنی ترک ماسوای خدا برای خداست؛ لذا هر کس بخواهد به لقاء الله و سعادت برسد راهی ندارد جز اینکه موحد باشد و خدا را شناخته باشد. آخرت بستر کمال بخشی به ظرفیت‌هایی است که خداوند در وجود انسان قرار داده اما در دنیا به فعلیت تام نمی‌رسد. با توجه به این مبنا می‌توان اصول «خدایینی» و «قرب ربوبی» را برای تربیت اخلاقی متصور شد:

- خدایینی

توحید منشأ پیدایش همه فضایل اخلاقی است و پیرو اصل خدایینی مرتبی به این نکته پی خواهد برد که جهان حتماً پدیدآورنده‌ای باید داشته باشد و کارهای که او انجام می‌دهد بدون نتیجه نخواهد بود. در دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی خداجویی و خدایینی مایه تکامل و تعالی اخلاقی مرتبی دانسته شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۴ الف، ج ۲: ۳۶۲). آیت‌الله جوادی آملی در

زمینه جایگاه خدایینی در اخلاق این طور توضیح داده‌اند که مسئله توحید، جزو جهان‌بینی و مسائل الهی به شمار می‌آید و در علم کلی مطرح است ولی مسئله پذیرش توحید را علم اخلاق بر عهده می‌گیرد و جایگاه علم اخلاق از نظر اشراف بر همه علوم و مسائل، جایگاه بلندی است (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۲۳). تربیت اخلاقی سعادت محور باید اصل خدایینی را در امور کلی و جزئی خود وارد سازد و بکوشد گران‌بهاترین توحید یعنی «ترک ما سواى خدا برای خدا» را به مرتبی خود آموزش دهد و او را وارد قلعه امن توحید سازد. یعنی مرتبی یاد بگیرد از نظر دانش، جز خدا چیزی مبدأ اثر نیست و از نظر گرایش نیز فقط به او ایمان بیاورد (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۱۳۷). مرتبی همه امور اخلاقی را با محوریت خدا می‌بیند و همه تلاشش را برای جلب رضای او به کار می‌گیرد. خدایینی در تربیت اخلاقی منجر این می‌شود که خودبینی و غیربینی رخت بریندد و مرتبی از نور الهی بهره‌مند گردد و چنان به سوی روشنائی هدایتش می‌کند که از گرفتاری در تاریکی‌ها به دور باشد و این خود سعادت است (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۶۵). در جایی دیگر آیت‌الله جوادی آملی نوشته‌اند که کمال انسان در این است که خود را به اصل برساند و رسیدن انسان به اصل خود، که کمال اوست با خودبینی جمع نمی‌شود و کسی که خود را نبیند و به فکر خود نباشد و اصل خود را شناسایی کند و مطیع او باشد به سعادت می‌رسد (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۹۱).

سعادت حقیقی و مورد نظر آیت‌الله جوادی آملی زمانی حاصل می‌شود که مرتبی را به خودشناسی، خدایینی و خدایی شدن در همه امور برساند. به عبارتی خودشناسی منجر به شناخت خدا و یوم‌الحساب و زندگی جاویدان می‌کند و هر سه شناخته است که متضمن سعادت دنیوی و اخروی می‌شود. این که مرتبی به این شناخت برسد که ضعفش حقیقت ندارد و در برابر خدای بی‌انتها اقدام به تعامل اخلاقی می‌کند، پس قرب ربوبی به عنوان یک اصل در تربیت اخلاقی می‌تواند خود را نشان دهد، بدین صورت که مرتبی و مربی در همه لحاظ خدا را ناظر بر رفتارهای خود بدانند و بر این نکته آشکارا دقت کنند که تحت اشراف دقیق خداوند زندگی می‌کنند و زندگی دنیا زندگی مقدماتی بوده و دروازه ورود به دنیای باقی است. آیت‌الله جوادی آملی تأکید زیادی بر شناخت هویت حقیقی توسط مرتبی دارند و آن را مقدمه‌ای به شناخت خدا و ایمان به آخرت دانسته‌اند. در دیدگاه ایشان هویت انسان عین ربط به خداوند است و چیستی او بدون ارتباط با خدا، قابل بیان و تفسیر نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۳۶). استاد اشاره کرده‌اند که:

«ادراک هویت انسان در پرتو ادراک و شناخت خدای سبحان به دست می‌آید و بنابراین انسان باید از ناحیه موجود مستقل تعریف شود و مقصود اساسی از این تعریف همان ایجاد معرفت در نهاد انسان و تعلیم کنونی او به حقیقت خویش است (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۳۲). ایشان همچنین از انسان‌شناسی به عنوان مقدمه خداشناسی یاد می‌کنند (همان: ۷۵-۶۲-۲۱). از جمله نظرات آیت‌الله جوادی آملی در زمینه قرب ربوبی این است که اگر کار و شأنی بدون قصد قرب به او که «هو الآخر» است، انجام شود منقطع الآخر و اَبتر خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۸۳). مطابق این اصل در تربیت اخلاقی مرتبی باید به مقامی برسد که ربط خود را به خدا دریابد. دریابد که سراسر موجودات عالم آفرینش عین ربط به او هستند. همه موجودات عالم نه وابسته، که عین وابستگی به او هستند. به صورت خاص نیز مرتبی باید متوجه شود که سعادتش به این است که رفتار، اخلاق و اندیشه صحیحی داشته باشد که بتواند بهترین ارتباط را با خود، خدا و بشریت داشته باشد و به بشریت خیر برساند، این معنای درستی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

ب) هستی و پدیده‌های آن هدفمند آفریده شده است.

پذیرش هدفمندی هستی زیربنای مهم سعادت است. هر یک از پدیده‌های هستی و مجموعه جهان آفرینش هدفمند خلق شده است و برای رسیدن به هدف خاصی نظم و طرحی ویژه برای آن‌ها قرار داده شده است. آیت‌الله جوادی آملی همچون دیگر فیلسوفان متأله درباره هدفمندی جهان هستی و معنا و مفهوم آن و ادله اثبات آن به تفصیل سخن گفته است؛ گاهی از طریق حکمت و حکیم بودن خداوند و این که برای خدا کار عبث و بیهوده و بی‌هدف بی‌معناست، هدفمندی جهان هستی را اثبات کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که اگر جهان آفرینش هدف نداشته باشد مخالف حکمت الهی بلکه مخالف با خداوندی خداست (اشاره به آیه ۴ سوره مبارکه فتح^۱ و آیه ۸۴ سوره مبارکه زخرف^۲)؛ و گاهی نیز از طریق نظم و هماهنگی موجود در مجموعه جهان هستی و در میان پدیده‌ها به هدفمندی آفرینش راه یافته‌اند و چنین آورده‌اند که هرگز امکان

۱. «وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» و سپاه قوای آسمان‌ها و زمین همه لشکر خداست و خدا دانا و به حکمت نظام آفرینش آگاه است.

۲. «وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ»، و آن ذات یگانه است که در آسمان و زمین (و در همه عوالم نامتناهی) او خداست و هم او (به نظام کامل آفرینش) به حقیقت با حکمت و داناست.

ندارد این همه نظم و تدبیر و طرح و برنامه بدون هدف باشد (اشاره به آیه ۱۵ سوره مبارکه نوح^۱ و آیات ۳-۶ سوره مبارکه جاثیه^۲)؛ و گاهی از طریق اوصاف حضرت باری جل اسمه، چون علم، قدرت، لطف و فضل او به هدفمندی هستی رسیده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۰: ۳۷۲؛ همان، ج ۱۶: ۴۱۶).

- حکمت‌مداری

در این خصوص آیت‌الله جوادی آملی معتقدند مخلوق خداوند، بری از نقص است؛ یعنی خوب نظام یافته و هدفمند خلق شده و همه نیازهای درونی برای ادامه هستی در نهان آن تعبیه شده و همه راه‌هایی که با پیمودن آن‌ها به مقصد نائل می‌شود درباره آن در نظر گرفته شده است تا صورتی که بعداً به آن اضافه می‌کند، درخور استعداد قبلی آن شیء از یک سو و سزاوار رسیدن آن به مقصود از سوی دیگر باشد. چنین سیمتی در اختیار مبدأ حکیم است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۴۴۲-۴۴۱). حال با توجه به این ظرفیت می‌بایست تربیت اخلاقی با نظر به نیازهای درونی آن هم به صورت حکیمانه و همه‌جانبه برنامه‌ریزی شود و البته هدفمند باشد و سعادت‌متربی را در نظر بگیرد. تربیت اخلاقی حکمت‌مدار، اهداف مقدسی دارد که هیچ‌گاه حاضر نیستند بر سر آن معامله کند و در آن رابطه، مدهانه و سازش نماید (جوادی آملی، ۱۳۹۰ ب: ۳۰۶). در تربیت اخلاقی حکمت‌مدار به مرتبی یاد داده می‌شود که تمام عمر خود را صرف خوردن، خوابیدن و سایر لذات حیوانی نکند بلکه در پی کسب فضایل اخلاقی باشد. این تربیت‌متربی را به کمال حقیقی‌اش نزدیک می‌کند. از نظر ما هدف زندگی در دنیا، تکامل و سعادت اخروی است. توجه به این که کیفیت اعمال در دنیا بر کیفیت زندگی اخروی اثر می‌گذارد، موجب معنا و هدف در

۱. «أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا، آیا ندیدید که خدا چگونه هفت آسمان را به طبقاتی (بسیار منظم و محکم) خلق کرد.

۲. «إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ فِي خَلْقِكُمْ وَ مَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ وَ اٰخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ مَا أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ تَصْرِيْفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَنْوَلُهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ قِبَآئِ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَ آيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ». بدون شک در آسمان‌ها و زمین نشانه‌های فراوانی است برای آن‌ها که اهل ایمان‌اند؛ و همچنین در آفرینش شما، و جنبندگانی که در سراسر زمین منتشر ساخته، نشانه‌هایی است برای جمعیتی که اهل یقین‌اند؛ و نیز در آمدو شد شب و روز و رزقی که خداوند از آسمان نازل کرده، و به وسیله آن زمین را بعد از مردنش حیات بخشیده، و همچنین در وزش بادها نشانه‌های روشنی است برای جمعیتی که اهل تفکرند. این‌ها آیات الهی است که ما آن را به حق بر تو تلاوت می‌کنیم، اگر آن‌ها به این آیات ایمان نیاورند به کدام سخن بعد از سخن خدا و آیتش ایمان می‌آورند؟

تربیت می‌شود و داشتن معنا و هدف در تربیت موجب احساس ارزشمندی می‌شود، در نتیجه تحمل سختی‌ها آسان‌تر می‌گردد.

ج) انسان همسو با جهان هستی به سوی کمال مطلق در حرکت است.

خدای سبحان کمال محض و کمال آفرین است؛ هر چه از او ظهور کند کامل است. عالم و آدم از او ظهور کرده و هر دو از مظاهر کمال حق‌اند، هم کمال نفسی دارند و هم از کمال نسبی برخوردارند: «مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ» (ملک / ۳) همه ذرات عالم هستی به سوی کمال در حرکت‌اند و مسیر امر الهی را طی می‌کنند، خدای سبحان به آسمان‌ها و زمین فرمود: خواسته یا ناخواسته به سوی من بیایید، گفتند ما خواهانیم و با طوع و رغبت می‌آییم: «فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ» (فصلت / ۱۱). ثالثاً انسان نیز تافته‌ای جدا بافته از جهان خلقت نیست، از این‌رو سعی می‌کند با رسیدن به کمال مطلوب خود را با سایر مخلوقات وفق دهد و با مجموعه جهان آفرینش هماهنگ سازد، راه هماهنگ شدن با نظام پیوسته جهان، در سیر به سوی کمال مطلوب، کسب فضایل اخلاقی است. اخلاق این توانایی را دارد که انسان متخلق را در این مسیر با این مجموعه هماهنگ کند، انسان نیز به طور طبیعی پذیرای چنین هماهنگی است و در مسیر کمال مطلق در حرکت است (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۵۱). اصلی که می‌توان از مبنای دوم استنتاج نمود «کمال‌گرایی» است که در زیر به توضیح آن پرداخته می‌شود:

- کمال‌گرایی

طبق مبنای فوق گرایش به کمال مطلق در نهان و نهاد هر موجودی از هستی و نیز انسان وجود دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۲۱۸). کمال هر چیزی عبارت است از این که غرض آن چیز حاصل بشود. کمال مطلق گرایش به مبدأ متعالی است، یعنی کمال محضی که هر اثر خیری از او و هر وجودی، ناشی از اوست (همان: ۳۱۲). در دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی محور سعادت و کمال انسان کامل مطلق یعنی ذات خداوند متعال است. همه کمالات انسان آینه‌ای است که نشان از قدرت خداوند می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۹۱ الف: ۱). بر اساس این اصل پروردگار متعال کل الیکمال است و مخلوقات او نیز مظاهر کمال حق‌اند، هم کمال نفسی دارند و هم از کمال نسبی

برخوردارند. انسان نیز به‌عنوان جهان آفرینش، از آفرینشی هدفمند برخوردار بوده و به سمت هدف خویش، در حرکت و تلاش است «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (انشقاق/۶). به نظر آیت‌الله جوادی آملی وقتی انسان از پشت‌بام عالم هستی با دیده‌ی خدایی مجموع نظام هستی را بنگرد، درمی‌یابد که از نقشه‌ی نیکویی برخوردار بوده، به‌سوی عاقبت مطلوبی در حرکت است (جوادی آملی، ۱۳۸۱ ب: ۳۵۶). اولین و اساسی‌ترین و به یک اعتبار تنها عامل اصلی که آدمی را در مسیر سعادت واقعی قرار داده و او را به قله‌های کمال رهنمون می‌سازد، خداوند سبحان است، تنها ذات پروردگار است که عالم و آدم را خلق کرده و بر زوایای پیدا و پنهان هستی آگاه است، سعادت و شقاوت انسان را بهتر از دیگران می‌داند و برای هدایت و تعالی بندگانش تمامی مقدمات و ابزارهای لازم و کافی را فراهم کرده است. بی‌تردید انسان ذاتاً در جستجوی کمال است و یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های اصلی انسان در بروز گفتار و صفات اخلاقی کمال‌گرایی است. با این وجود نیازی به عوامل بیرونی برای برانگیختن او به‌سوی کمال نیست، زیرا عامل فطرت او را به‌سوی کمال دعوت می‌کند. به‌عبارت‌دیگر گرایش به کمال در انسان امری فطری است و ماهیت اخلاقی انسان اساساً رو به تکامل است گرچه ممکن است در مصداق و تشخیص راه دست‌یابی دچار اشتباه شوند، از این رو است که برای جلوگیری از انحراف در مسیر کمال، خداوند نیز نیروی عقل و وحی را به مدد انسان فرستاده و انبیاء و اولیا به‌عنوان مربیان اخلاق معرفی شده‌اند. کمال و شکوفایی نفس در مرتبه‌ی دو بعد نظری و عملی دارد. منظور از جنبه نظری، بُعد شناختی و معرفتی انسان است و مقصود از جنبه عملی روح و استکمال عملی، آن است که نفس مرتبه‌ی در سایه رفتارها و اعمال باطنی مثل نیت، انگیزه‌های درونی و خضوع و خشوع باطنی و سجایای اخلاقی است.

د) اساس هستی و استواری آن به عدالت است.

عدالت در نظام تکوین، اساس هستی و در نظام تشریح، نشان از کمال انسانی است. عدالت پایه و اساسی است که استواری جهان به آن بستگی دارد و برخوردار از آن در میزان سعادت تأثیر می‌گذارد. عدالت به معنای تعدیل قوای انسانی، حاکمیت عقل بر سایر قوای نفسانی و اجتناب از هرگونه افراط و تفریط در زندگی فردی و اجتماعی است. خداوند از بندگان خود خواسته است که عامل به عدل باشند و قرآن کریم امر فرمود برای نیل به قرب الهی و تقوا که

نتیجه آن سعادت و کمال انسانی است به عدالت پایبند باشید: «اغْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (مائده / ۸)؛ عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک تر است. عدالت اساسی ترین ارزش اخلاقی در مسیر رسیدن به سعادت محسوب می گردد. هرچند عدالت از دیدگاه جواد آملی به دلیل ارزشی بودن، دارای جنبه اعتباری است؛ اما چون همواره ملایمت و تناسب اعمال عادلانه با سعادت انسان و جامعه ثابت است این ارزش ثابت و پایدار خواهد بود. به عبارتی آیت الله جواد آملی پایه سعادت ملت ها را عدالت دانسته و بیان می کند: اسلام پیروان خود را از هر گونه جور و ستم بر حذر می دارد و افراد جامعه را مانند اعضای یک پیکر تلقی می کند از این رو، سعادت و سلامت امت را در قسط و عدل آحاد آن جستجو می کند (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ج ۷: ۳۳۳). از نظر ایشان سعادت در گرو عدالت است و اقامه عدالت ابتدا در درون و باطن فرد نهادینه می شود آنگاه در برخورد با دیگران تجلی می یابد و این بدون شناخت از حقوق فردی و اجتماعی مقدور نخواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۷: ۲۵۱). با در نظر گرفتن موارد فوق می توان اصل «عدالت طلبی» را برای تربیت اخلاقی استنتاج نمود:

– عدالت طلبی

بر اساس مبنای اشاره شده حق بودن و عدالت محور بودن از ویژگی های نظام هستی است. اساساً از منظر آیت الله جواد آملی اصل و منشأ هر حقی خداوند سبحان است و از او جز حق و عدالت نشئت نمی گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۲: ۶۵۱). حق بودن نظام هستی و استواری آن بر عدالت نسبت مستقیمی با هدفمندی آن دارد. به اعتقاد آیت الله جواد آملی مراد از حق و هدفمندی نظام هستی، برپایی قیامت و پاداش عادلانه به اعمال انسان هاست (همان، ج ۲۵: ۵۷۵). مطابق با آنچه آمد عدالت یک اصل و ارزش اخلاقی در تربیت اخلاقی منتهی به سعادت محسوب می گردد. اصل قرار دادن عدالت طلبی در تربیت اخلاقی بدین معناست که متربی با رشد همه جانبه وجود خود به صورت هماهنگ و متوازن توجه کند و در پرداختن جنبه های وجودی خود افراط و تفریط نکند. مورد دیگر در این اصل آن است که مربی و متربی می فهمند با ایجاد ساز و کار و امکانات باید همه افراد جامعه از فرصت های لازم در رشد اخلاقی برخوردار باشند و هرکسی متناسب با وسع و حاصل تلاش خود باید متخلق به اخلاق گردد و حقوق اخلاقی دیگران را محترم بشمرد. یکی از مهم ترین آورده های این اصل در تربیت اخلاقی این است که عدالت ناظر به افعال

اختیاری متربی بشود و به نوعی عدالت اخلاقی ظهور پیدا کند. عدالت طلبی باید به گونه‌ای در تربیت اخلاقی سامان داده شود که تأمین کننده خیر نهایی یا قرب الهی باشد و الا اگر عدالت با قرب الهی منافات پیدا کند آن دیگر عدالت نیست چون مطلوبیت عدالت ذاتی نیست بلکه مطلوبیت غیري دارد و به عنوان فضیلت ابزاری برای دست‌یابی به سعادت به کار می‌رود.

ه) عمل مبتنی بر ایمان تضمین کننده سعادت انسان است.

بر اساس آموزه‌های دینی، مهم‌ترین عامل سعادت انسان، ایمان است؛ ایمان به معنای اعتقاد به مبدأ و معاد، کتب آسمانی، عوالم غیب، انبیای الهی و عمل بر مبنای آن است که فرد، خانواده و اجتماع را کمال می‌بخشد. این شرط عام برای تمام افراد است. وقتی که قرآن کریم از فلاح و رستگاری و شرایط و ضوابط آن سخن به میان می‌آورد تمایزی میان افراد قائل نمی‌شود، بلکه انسان را موضوع آن می‌داند. پس همه افراد، هر کدام با انجام اعمال صالح، زمینه هدایت و کمال خود را فراهم می‌کنند. آن که طالب سعادت است، پیوند خویش را با کمال مطلق که منشأ سعادت است تحکیم می‌کند؛ زیرا دست‌وپا زدن در گرداب هوای نفس و تبعیت از غیر خدا، نورانیتی برای انسان نمی‌آورد. در تعالیم اسلام شرط کمال و سعادت با توجه به نوع رسالت و انجام وظایفی که برای افراد تعیین شده است، تفاوتی ندارد؛ از این رو در آیات متعددی از قرآن کریم تصریح شده است که ایمان، کمال و هدایت در دنیا و رستگاری، نجات و سعادت در آخرت برای همه به ارمغان می‌آورد (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۳۰۷)؛ بنابراین یکی از عوامل مؤثر در نیل به سعادت برای انسان، انجام اعمال صالح است که در جوار اعتقادات صحیح باشد: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَكْرُهُمْ هُوَ يُرَوَّرُ (فاطر: ۱۰)؛ کسی که در پی کسب عزت در آید بداند که عزت همه‌اش نزد خدا است و کلمه طیب به سوی او بالا می‌رود و عمل صالح آن را در بالاتر رفتن مدد می‌دهد و کسانی که با گناهان خود با خدا نیرنگ می‌کنند عذابی سخت دارند و مکر آنان بی‌نتیجه خواهد بود». پس شایسته است انسان به سوی فرمان الهی بازگردد و از او فرمان برد که او قطعاً خیر و سعادت ما را می‌خواهد (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۴۵۴). آنچه را که خداوند انجام آن را برای بندگان گناه و سیئه به شمار آورده است، مایه بدبختی و هلاکت دنیا و عذاب آخرت خواهد بود. پس بر این نکته باید توجه کرد که سعادت انسان در پرتو

ایمان به مبدأ و معاد و عمل به تعالیم شرع متجلی است و اعتقاد و عمل به آنچه غیر مشروع است برای انسان مایه رذیلت و پستی است. پس ایمان گروی در تمام ابعاد زندگی به عنوان یک عامل مهم باعث نیل به سعادت می‌شود.

- ایمان‌گرایی

با توجه به ویژگی مبنای فوق‌الذکر می‌توان از ایمان‌گرایی به عنوان یک اصل در تربیت اخلاقی منتهی به سعادت یاد نمود. بر اساس این اصل چون مرتبه‌ی الهی بالاترین مرتبه‌ی کمال انسان است و او باید برای رسیدن به آن، تمامی اعمال و رفتار خود را تنظیم کند و در همه حال فقط رسیدن به قرب الهی را در نظر داشته باشد؛ اما داشتن سعادت در زندگی به میزان ایمان افراد به خداوند بستگی دارد؛ ایمان یک حالت قلبی و فرآیند روانی است که جهت‌گیری آن در افکار، احساسات و اعمال فرد آشکار می‌شود. خداوند متعال در آیات بسیاری از قرآن کریم از جمله آیه ۱۳۶ سوره مبارکه نساء ایمان را سرمنشأ رشد و کمال اخلاقی دانسته و بندگان را به این امر مهم دعوت می‌کند. در این آیه آمده است که «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَيَّ رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا»، ای کسانی که (به زبان) ایمان آورده‌اید، (به حقیقت و از دل هم) ایمان آورید به خدا و رسول او و کتابی که به رسول خود فرستاده و کتابی که پیش از او فرستاده (تورات و انجیل) و هر که به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها (ی آسمانی) و رسولان او و روز قیامت کافر شود به گمراهی سخت و دور (از سعادت) در افتاده است. به نظر آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۹۴ ب) ایمان به خداوند موجب می‌شود که انسان خود را در محضر وجودی احساس کند که دارای علم مطلق است و قدرت بی‌پایانی دارد و هر چه میزان ایمان فرد بیشتر پرورش یابد، او احساس حضور بیشتری در محضر خداوند می‌کند؛ این احساس حضور می‌تواند عامل مهمی در تربیت و کنترل اخلاقی باشد زیرا که تمامی ابعاد شناختی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. قرآن کریم این حضور دائمی خداوند را این‌چنین بیان می‌کند: «... إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (نساء/۱)، خداوند همواره بر شما نگهبان است. با توجه به این آیات می‌توان فهمید که هر چه انسان احساس حضور بیشتری در محضر خداوند داشته باشد اعمال خالصانه‌تری خواهد داشت و بسته به مراتب ایمان و اعتقاد خود به حضور خدا، عمل خواهد کرد. ایمان ضعیف موجب می‌شود که فرد در جهت فرار از عذاب خداوند عمل کند، در مرتبه‌ی بالاتر

ایمان، باعث انجام عمل در جهت رسیدن به پاداش می‌شود، اما ایمان کامل موجب اخلاص در عمل برای رسیدن به سعادت خداوند خواهد شد. پس پرورش ایمان به خدا موجب می‌شود که انسان تمامی اعمال و رفتار خود را خالصانه برای خدا انجام دهد و در جهت رسیدن به مرتبه‌ی الهی خود تلاش نماید. نتیجه اینکه ایمان به خدا موجب می‌شود که انسان از رذایل نفسانی دوری نموده و به فضایل اخلاقی خود را آراسته نماید. نیز ایمان‌گرایی در تربیت اخلاقی می‌تواند تحولی باطنی در فرد ایجاد کند و آثار آن بر ظاهر مرتبی و اعمال او پدیدار گردد و بر همه مریبان است تا ایمان خالصانه را در مریبان جهت آراسته شدن به فضایل اخلاقی و رسیدن به سعادت مورد توجه قرار دهند.

(و) فطرت توحیدی انسان از عوامل زمینه‌ساز سعادت است.

از منظر آیت‌الله جوادی آملی، اصل مشترک بین همه انسان‌ها فطرت است که دارای سه ویژگی است: نخست آنکه خدا را می‌شناسد و او را می‌خواهد. دوم آنکه در همه آدمیان هست. سوم آنکه از تغییر و تبدیل مصون است (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۱۲: ۲۷-۲۵). باید گفت چون فطرت خدا را می‌شناسد و او را می‌خواهد، این خودش اثبات وجود خداست، زیرا انسان طالب مجهول مطلق نیست. همه آدم‌ها دارای فطرت هستند و خداجو آفریده شده‌اند و چون فطرت از تغییر مصون است تا مادامی که غبار غفلت و هوای نفس بر آن ننشسته باشد، هدایت‌گراست. در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی انسان سرمایه سعادت همه‌جانبه و وحدت گسترده با همه جوامع بشری را به‌عنوان اصلی ثابت و همیشگی در نهاد خود دارد، به‌طوری که هیچ فرد در هیچ عصر و نسلی فاقد آن نیست. این دست‌مایه تکامل تکوینی همان زبان فطرت توحیدی است که بدون نیاز به هرگونه اعتبار و قرار دارد و تصویب، توان پیوند انسان‌ها را دارد. راز عدم تبدیل فطرت توحیدی انسان، این است که نه خداوند آن را تغییر می‌دهد، چون وی را به احسن تقویم ساخت و هیچ نقص و عیبی در نهاد توحیدی او نیست تا تبدیل شود و نه هیچ کس جز خداوند، توان تأثیر در نظام آفرینی انسان را دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۱۸۸). آیت‌الله جوادی آملی درباره سمت و جهت‌گرایی‌های فطری معتقد است: «آدمی، هرگز با سرشتی بی تفاوت نسبت به خیر و شر آفریده نشده و به جهت اصالت جنبه‌ی ملکوتی ... روشن می‌شود که گرایش انسان به لحاظ اصل حقیقت خود به سوی فضایل و ملکات الهی انسانی است و سمت‌وسوی وجود و چهره جان او همواره با ایمان و خیر و مسائل ارزشی روبه‌روست» (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۲۹۰)؛ بنابراین، تمام

انسان‌ها می‌توانند با استفاده از گرایش‌های فطری خود که متناسب با اصالت آن‌هاست، به فضایل و ارزش‌های الهی روی آورند و به مراتب بالای وجودی و سعادت برسند، مشروط بر آن‌که بر اثر گرایش‌های مادی و تعالیم غیرحقیقی و باطل، ویژگی‌های فطری خویش را تضعیف نکنند و رذایل نفسانی و ناروا را نیز ترک گویند و با انجام فضایل اخلاقی و دینی موجب شکوفایی ویژگی‌های فطری خویش شوند.

- فطرت‌گرایی

بخش اصلی تربیت اخلاقی سعادت‌محور، شکوفایی فطریات است. تربیت اخلاقی مبتنی بر فطرت موردستایش آیت‌الله جوادی آملی قرار گرفته است (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۲۱). در این تربیت فطرت هم‌سنخ هستی است (همان: ۲۶) و در متن هویت انسان وجود دارد و همه می‌توانند به شکوفایی دست یازند (همان: ۳۶). بر اساس دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی به حکم عقل، نقشه راه تربیت باید از فطرت و گرایش و بینش فطری انسان سرچشمه گرفته باشد تا بتواند انسان را به همان مقصدی هدایت کند که فطرت او، آن را می‌طلبد (همان: ۴۷). متربی برای شکوفا شدن، باید خود را کشف کند؛ بفهمد که چه ویژگی‌ها و طبیعتی دارد و اینکه چه می‌تواند بشود. قدم اول در این راه، باور داشتن جنبه‌های ذاتی و پنهانی وجود است. قدم دوم این است که به متربی یاد داده شود که چگونه هویت خود را بازشناسد، چگونه خویش را شکوفا سازد. یکی از تدابیر الهی در مورد انسان‌ها این است که خداوند آن‌ها را بر اساس فطرت الهی آفریده است. فطرت الهی با شالوده وجود آدمی در انطباق کامل است. گفت‌وگو از فطرت الهی، گفت‌وگو از ثابت‌ترین بعد اخلاقی وجود انسان است. فطرت‌گرایی و همسویی با فطرت، اصل مسلم تربیت اخلاقی است و همه تدابیر، برنامه‌ها، اهداف و تحقیقات تربیت اخلاقی باید بر پایه فطرت پی‌ریزی شوند، زیرا خداوند، آدمی را بر این بنیاد خواسته و سرشته و پرورش و رشد و سعادت او را از این راه ممکن دانسته است (روم/۳۰)^۱. مطابق این اصل اگر تربیت اخلاقی می‌خواهد متربی را به سعادت هدایت کند باید مطابق با فطرت توحیدی او تنظیم و طراحی شود. منظور این است که به‌طور اجمالی

۱. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»، پس تو مستقیم روی به جانب آیین پاک اسلام آور در حالی که از همه کیش‌ها روی به خدا آری، و پیوسته از طریق دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد، این است آیین استوار حق، ولیکن اکثر مردم (از حقیقت آن) آگاه نیستند.

متربی آن چیزی را که باید به سمت آن برود به او گفته شده و متربی باید با چشم بینای فطرت و به وسیله چراغ عقل در مسیر سعادت حرکت کند (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۲۷۵). از نظر آیت‌الله جوادی آملی فطرت انسان؛ نوعی بینش و توانایی درونی و باطنی است که همیشه ثابت و پایدار است و در همه‌ی انسان‌ها موجود است و با اینکه ممکن است تضعیف شود ولی با فشار و تحمیل نمی‌توان آن را از بین برد. ایشان این نیروی درونی و خدادادی را فقط مخصوص انسان‌ها می‌داند و بر این باورند که فطرت انسان همیشه به خوبی‌ها و کمال‌گرایش دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۲۶)؛ بنابراین، نتیجه می‌گیریم که انسان دارای نوعی آمادگی درونی و باطنی برای رسیدن به خوبی‌ها و مراتب بالای انسانی است و برخلاف برخی از نظرات که سرشت انسان را مانند لوحی سفید می‌دانند، ایشان معتقد به فطرتی توحیدی در انسان هستند که از خوبی‌ها آگاه است و به خوبی‌ها گرایش دارد و از آنجایی که فضایل و خوبی‌ها به روح اصیل انسانی مربوط می‌شوند، موجب صعود انسان به مراتب بالای وجودی و سعادت می‌گردند؛ لذا بر متصدیان ضرورت دارد در تربیت اخلاقی از این ویژگی‌های فطری استفاده کنند و با تقویت این نیروی باطنی، راه را برای رسیدن به سعادت هموار نمایند.

ز) انسان نسبت به دیگر مخلوقات هستی دارای کرامت و شرافت است.

انسان موجودی است که در نزد الهی از کرامت خاصی برخوردار است به گونه‌ای که خداوند انسان را از دیگر موجودات متمایز کرده و کمالاتی را برای او در نظر گرفته که سایر موجودات از رسیدن به آن محروم‌اند. هم‌چنین خداوند متعال به تکریم انسان و تفضیل او پرداخته است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء/۷۰)؛ ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم؛ و آن‌ها را در خشکی و دریا، (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم. مراد از تکریم انسان در این آیه، اعطای خصوصیات و ویژگی‌هایی است که در سایر موجودات وجود ندارد و مراد از تفضیل او، اعطای خصوصیتی به انسان است که در سایر موجودات نیز وجود دارد اما در انسان به صورت اکمل وجود دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۲۰۲). علامه طباطبایی در این زمینه چنین می‌فرماید: «مقصود از تکریم اختصاص دادن به عنایت و شرافت دادن به خصوصیتی است که در دیگران نباشد و با همین

خصوصیت است که معنای تکریم با تفضیل فرق پیدا می‌کند، چون تکریم معنایی است نفسی و در تکریم کاری به غیر نیست، بلکه تنها شخص مورد تکریم مورد نظر است که دارای شرافتی و کرامتی باشد، به خلاف تفضیل که منظور از آن این است که شخص مورد تفضیل، از دیگران برتری یابد، درحالی که او با دیگران در اصل آن عطیه شرکت دارد. حال که معنای تکریم و فرق آن با تفضیل روشن شد، می‌گوییم: انسان در میان سایر موجودات عالم خصوصیتی دارد که در دیگران نیست و آن، داشتن نعمت عقل است و معنای تفضیل انسان بر سایر موجودات این است که در غیر عقل، از سایر خصوصیات و صفات هم انسان بر دیگران برتری داشته و هر کمالی که در سایر موجودات هست حدّ اعلای آن در انسان وجود دارد» (طباطبایی، ۱۳۸۴، ج ۱۳: ۲۱۵).

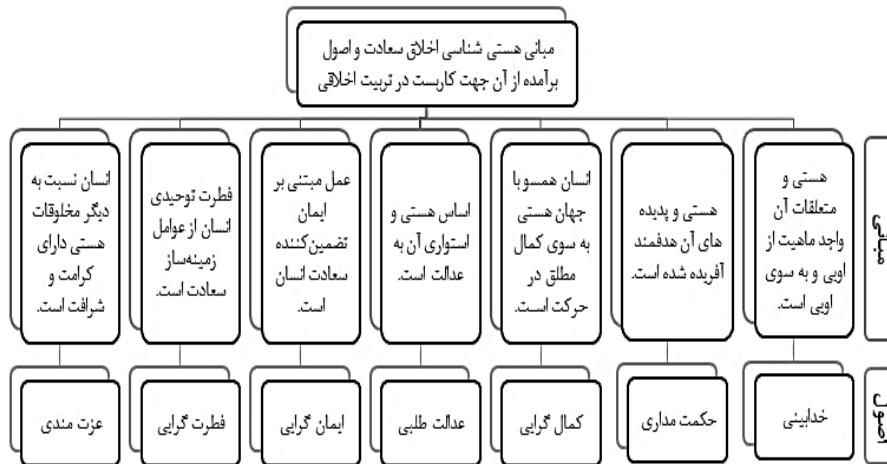
خداوند راه سعادت را در پیش روی انسان قرار داده و انسان با قدرت اختیاری که دارد می‌تواند این راه را انتخاب کند و با انتخاب صحیح، در مسیر هدایت و جرگه بندگان الهی درآید و به فضیلت و برتری از سایر موجودات هستی برسد: «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان/۳)؛ ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۲۰۴).

آیت‌الله جوادی آملی شاخص‌های دیگری چون شناخت اسماء الهی، جانشینی خداوند و شناخت و بصیرت بر خود را نیز مبنای کرامت انسان می‌داند. بنابراین، درمی‌یابیم که شناخت اسماء خداوند به همراه شناخت ویژگی‌های ذاتی و درونی، می‌تواند موجب کرامت و ارزشمندی ما باشند؛ چون شناخت خداوند موجب می‌شود که به قدرت و بزرگی او پی ببریم و با استفاده از ویژگی‌های فطری و خداخواهانه خود به سوی او و رسیدن به سعادت حرکت کنیم. البته در طی این راه مشکل پرورش و شکوفایی خصوصیات فطری و بصیرت لازم است؛ زیرا اگر ما دارای توانایی‌های بالفعل و شکوفا شده باشیم می‌توانیم همیشه با بصیرت و خردمندی بهترین‌ها را انتخاب نماییم و خود را با آراسته نمودن به صفات الهی و نیکو به بالاترین مرحله‌ی وجودی خویش که همان جانشینی خدا بر روی زمین و سعادت دنیوی و اخروی برسانیم. مطالب فوق می‌تواند حامل اصلی در تربیت اخلاقی منتهی به سعادت به نام عزتمندی باشد. در ادامه به توضیح این اصل پرداخته می‌شود:

– عزتمندی

اصل عزت از مهم‌ترین اصول تربیت اخلاقی و از بنیادی‌ترین امور مربوط به دستیابی به سعادت است. اساس تربیت اخلاقی سعادت محور بر عزت است و اگر متربی باعزت رشد یابد و تربیت شود به حالتی دست می‌یابد که پیوسته و در هر اوضاع و احوالی راست و استوار باشد. تربیتی که آدمی را در برابر غیر خدا سربلند و استوار و شکست‌ناپذیر و در برابر خدا ناچیز و ناتوان و خوار می‌سازد. آن که فقط در برابر خدا سر بندگی فرود می‌آورد و با قدم عبودیت سیر می‌کند و داغ ذلت بندگی را در پیشانی خود می‌نهد. انسان به خاطر بهره‌مندی از روح جاودانه الهی زمینه و شرایط دستیابی به بالاترین درجات سعادت را دارا است و از شرافت و جایگاه خاصی در جهان هستی برخوردار می‌باشد. به لحاظ عزتمندی انسان از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی موجودی برتر و تافته‌ای جداافتاده است. با استعداد و تعالی روحی که انسان دارد، اگر همت پرواز داشته باشد چنان اوج می‌گیرد که بالاترین درجات معنوی می‌رسد. آیت‌الله جوادی آملی معتقدند که تنها ایمان به خدا، وحی، نبوت، معاد و دیگر دستورات دینی، مایه‌ی زینت و کرامت انسان است و علم به اسماء الهی، خلافت و جانشینی خداوند و بصیرت بر خود را شاخص‌هایی برای کرامت انسان معرفی می‌نماید (جوادی آملی، ۱۳۹۱ ب، همان، ۱۳۹۰ الف، ج ۱: ۵۸). با توجه به اینکه کرامت می‌تواند دو نوع تکوینی و اکتسابی باشد و اینکه انسان دارای ویژگی خاصی به نام عقل است یک نوع کرامت ذاتی و تکوینی است که نوع انسان از آن بهره‌مند است و اینکه ایمان به خدا، وحی، نبوت، معاد و ... مایه‌ی کرامت آدمی می‌شود به نوع دیگر کرامت یعنی کرامت اکتسابی مربوط می‌شود، زیرا داشتن ایمان، اختیاری بوده و انسان باید آن را به دست آورد؛ نتیجه این که انسان با برخورداری از کرامت ذاتی و با دستیابی به کرامت اکتسابی می‌تواند بر دیگر موجودات برتری پیدا کند و همین احساس برتری است که می‌تواند او را یاری نماید تا به مراتب سعادت برسد و موجب ترغیب او به انجام کارهای نیک و دوری او از اعمال زشت شود و اگر انسان کرامت خود را از دست بدهد، با حرکت به سوی رذایل و زشتی‌ها زمینه‌ی سقوط و تباهی خود را فراهم می‌کند و از رسیدن به مراتب بالا بازمی‌ماند. با این توضیحات بر همه متخصصان تربیتی حفظ عزت متربی و سعی در تعالی آن به‌عنوان یکی از اصول تربیت اخلاقی توصیه می‌شود. مورد دیگر در این اصل این است که مربی می‌فهمد که در برخورد با متربی کریمانه رفتار کند و بر او به

نگاه احترام بنگرد و کوچکش نشمارد. این رفتار مری بدین خاطر است که انتقال حس ارزشمندی موجب انگیزش متری در جهت کسب فضایل و زدودن رذایل اخلاقی است؛ بنابراین به نظر می‌رسد متری که هدفش سعادت باشد، اگر احساس عزت، ارزشمندی و توانمندی داشته باشد، بیشتر تلاش می‌کند.



شکل ۱. مبانی هستی‌شناسی اخلاق سعادت و اصول برآمده از آن برای کاربرد در تربیت اخلاقی

۷. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین مبانی هستی‌شناسی اخلاق سعادت و استنتاج دلالت‌های آن در اصول تربیت اخلاقی از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی انجام شد. یافته‌ها حاکی از آن بود که در نظریه هستی‌شناسی اخلاق سعادت در دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی تلاش برای تعالی روح، رعایت سلامت جسم و اهتمام به کمال وجودی است که انسان را به مقام قرب الهی می‌رساند و بالاتر از قرب الهی چیزی نیست تا انسان به وسیله آن به سعادت برسد. از آنجایی که سعادت مورد نظر آیت‌الله جوادی آملی جنبه دنیوی و اخروی را هم‌زمان در نظر می‌گیرد و پایه آن انسانی برخوردار از فطرت الهی است که دارای قدرت شناخت و معرفت محدود می‌باشد و به واسطه داشتن این قدرت می‌تواند حقایق را که راه رسیدن به سعادت اوست را با استفاده از ویژگی‌های دیگر مانند فطرت‌مندی کشف نماید. این نکته با دیدگاه مرحوم آیت‌الله مصباح یزدی (۱۳۸۲: ۳۳)

همسو است. نظر ایشان چنین می‌باشد که انسان طالب سعادت است و فطرت او را به سوی سعادت دعوت می‌کند و او محتاج برانگیختن عامل بیرونی نیست؛ اما باید فطرت سعادت خواهی در انسان زنده و بیدار باقی بماند و از سرکوب شدن جلوگیری شود. نکته بعد این است که سعادت حقیقی دارای مراتب گوناگونی است. اولین و کمترین مرحله سیر تکاملی‌ای که برای همگان میسر است با ایمان به خداوند و حرکت در مسیر بندگی او تحقق می‌یابد و وصول به مراتب عالی با گذشتن از همه خواسته‌ها و صرف همه نیروها در راه رضای الهی است. همچنین دستیابی به قرب الهی که والاترین سعادت هاست و کمال نهایی مرتبی است جز با عمل اختیاری مقرون به ایمان ممکن نیست. این مطلب نیز با نتایج پژوهش زارعان (۱۳۹۷)، کلارک و ساموئل (۲۰۱۱) و اسکارلاتو و کوهم ۱ (۱۹۹۹) همسو است. پژوهشگران مذکور بر نقش انگیزشی و جهت دهنده‌ی ایمان به خدا در رفتارهای اخلاقی انسان و جایگاه آموزش‌های مدرسه‌ای در آن تأکید کرده‌اند. البته پژوهش فرنهوت ۲ (۱۹۸۹) هم همسو با جایگاه ایمان در تربیت اخلاقی مبتنی بر سعادت این چنین است که چون ایمان کانون اعتماد و تعهد است لذا می‌تواند به‌عنوان پدیده‌ای زمینه‌ساز و ضمانت‌آور مورد توجه قرار گیرد. نکته دیگر این که از یکسو هستی‌مربی کاملاً وابسته به خداوند و خداوند به تمام معنای کلمه رب او است و از سوی دیگر، زندگی او منحصر به زندگی دنیا نیست، بلکه زندگی واقعی او آن‌چنان عمیق و گسترده است که زندگی دنیا در برابر آن چیزی به حساب نمی‌آید. به مقتضای این بینش تربیت اخلاقی این‌طور بنا می‌شود که از یک طرف رابطه انسان با مبدأ و از طرف دیگر رابطه انسان با معاد را مورد توجه قرار می‌دهد؛ اما نوآوری پژوهش حاضر در رسیدن به دستورالعمل‌های «خدایینی، حکمت‌مداری، عدالت‌طلبی و عزتمندی» جهت رسیدن به سعادت است. آنچه فرض اساسی مقاله بوده و در جای‌جای متن نظر بر آن بود این می‌باشد که سعادت ثمره تهذیب اخلاق است و سعادت مطلق محقق نمی‌شود مگر اینکه صفحه نفس در جمیع اوقات از همه اخلاق ذمیمه خالی و به تمام اوصاف حسنه مزین شود. اوصافی که محوریتش خداوند سبحان است و با او معنا و صحت دارد. این یافته با دیدگاه مرحوم علامه طباطبایی (۱۳۸۴، ج ۱: ۳۷۱-۳۷۰) همسو است. از دیدگاه علامه اخلاق عبارت است از فنی که درباره ملکات مربوط به قوای نباتی و حیوانی و انسانی بحث می‌کند و هدفش این است که فضائل آن‌ها را از

1. Scarlato & Kohm
2. Fernhout

ردایلش جدا سازد و علوم کند کدام یک از ملکات نفسانی انسان، خوب و فضیلت و مایه سعادت اوست و کدام یک بد و رذیله و مایه نقص اوست تا مرتبگی بعد از شناسایی آن‌ها خود را با فضائل بیاراید و از رذایل دوری کند و در نتیجه اعمال نیکی که مقتضای فضائل درونی است، انجام دهد تا در اجتماع انسانی ستایش عموم و ثنای جمیل جامعه را به خود جلب نموده؛ سعادت علمی و عملی خود را به کمال برساند. برداشت نویسندگان از کلیت مقاله این است که اصل و اساس اخلاق سعادت از عقیده و چگونگی نظر به هستی تشکیل می‌شود و در دیدگاه توحیدی آیت‌الله جوادی آملی انسان با هستی‌شناسی توحیدی می‌تواند خالق جهان آفرینش را به‌طور کامل بشناسد و با پذیرفتن خالق به‌عنوان خداوند به اعتقادات خود ارزش معنوی می‌بخشد؛ او وقتی خود و وظایفش را بهتر شناخت آنگاه حیات دنیوی را تنها فرصتی برای دست یافتن به تکامل معنوی و آسایش در حیات اخروی می‌داند. لازمه چنین امری اعتقاد به جاودانگی و پایان‌ناپذیر بودن عمر انسان است به اینکه بدن می‌میرد و روح که همان اصل انسان است، باقی می‌ماند.

در ادامه به برخی از پیشنهادها کاربردی برآمده از مبانی و اصول ذکر شده در پژوهش اشاره می‌گردد:

- توجه هم‌زمان به ایمان و عمل: در اخلاق سعادت و تربیت اخلاقی مبتنی بر آن اگر هدف غایی قرب الهی در نظر گرفته شود باید به گونه‌ای هم‌زمان به ایمان و عمل توجه گردد.
- دوری از سطحی‌نگری: سپهر ایمان می‌بایست کوشش‌های اخلاقی مرتبگی را سامان دهد. این در حالی است که ایمان در مرتبه نخست امری مرتبط با ساحت دل آدمی می‌باشد بنابراین انتظار می‌رود تربیت اخلاقی مدعی سعادت را به این سمت سوق داد و از ظاهرگرایی و تقلید به دور نگه داشت.
- پرهیز از خودمحوری: از آنجا که خودمحوری یکی از آسیب‌های تربیت اخلاقی است پس در مرتبگی نوعی تعصب به وجود می‌آورد که او را به سمت باطل هدایت می‌کند. استفاده از مفاهیم مرتبط با مبدأ و معاد می‌تواند خودمحوری را به حداقل ممکن کاهش داده و مانع یک‌جانبه‌گری شود.

- مواظبت بر عدالت: با شناخت درست اقسام عدالت و جایگاه عدالت در رسیدن به سعادت حقیقی‌متربی، مواظبت بر عدالت در تربیت اخلاقی و رفع موانع آن لازم و ضروری است.
- هماهنگ‌سازی ساختن تربیت اخلاقی با استعداد ذاتی، امور و گرایش‌های فطری: زمانی تربیت اخلاقی می‌تواند متربی را به سوی سعادت ترغیب بکند که مطابق با فطرت برنامه‌ریزی شده باشد. باید به این نکته توجه شود که امیال و استعداد‌های فطری، اصیل‌ترین نیرو‌هایی‌اند که دست‌آفرینش در نهاد متربی به ودیعت نهاده است تا او به وسیله آن‌ها و با استفاده از نیرو‌های اکتسابی و امکانات خارجی، مسیر خود را به سوی کمال و سعادت حقیقی پیماید. از این رو جهت یا جهاتی که این امیال دارند، می‌تواند همچون عقربه قبله‌نما متربی را به مقصد رهنمون کند. پس شایسته است برای یافتن سعادت حقیقی، به واکاوی امیال فطری متربی پرداخته شود.

آگاه کردن متربی از آثار تأکید بر سعادت دنیوی: متربی باید بداند کسانی که بدون قصد آخرت تلاش در رسیدن به سعادت دنیوی کرده‌اند، در آخرت و سعادت اخروی هیچ بهره‌ای ندارند و در همین دنیا به جزای عمل خود خواهند رسید.

فهرست منابع

- امیری، حجت. (۱۳۹۷). جایگاه آبادانی دنیا در سعادت انسان از دیدگاه آیت الله جوادی آملی. پایان نامه سطح سه مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- امینی مشهدی، سمانه و آهنچیان، محمدرضا. (۱۳۹۳). تربیت اخلاقی و سعادت در نظام آموزشی ایران؛ مقابله دیدگاه فارابی، لاک، رورتی. *دوفصلنامه اسلام و پژوهش های تربیتی*، ۶(۱)، ۸۰-۶۵.
- باقری، مهدی. (۱۳۸۹). مفهوم و جایگاه سعادت در اندیشه سیاسی - اجتماعی علامه طباطبائی و آیت الله جوادی آملی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه امام صادق (ع).
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۸). *صهباي حج*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۷ الف). *جامعه در قرآن*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۷ ب). *سیره پیامبران در قرآن*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۵). *مبادی اخلاق در قرآن*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۴ الف). *ادب فنای مهربان*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۴ ب). *حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۲). *صورت و سیرت انسان در قرآن*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱ الف). *انسان آینه دار کمال و جمال خداوند*. قابل دریافت از: <https://hawzah.net/fa/News/View/92090/>
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱ ب). *گستره ی دین*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۰ الف). *نسیم اندیشه*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۰ ب). *اسلام و محیط زیست*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). *حق و تکلیف در اسلام*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). *تفسیر تسنیم*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۵). *هستی شناسی در قرآن*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۴). *فطرت در قرآن*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۳). *هدایت در قرآن*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۲). *حیات حقیقی انسان در قرآن*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۱ الف). *شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۱ ب). *نسبت دین و دنیا*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۹). *مراحل اخلاق در قرآن*. قم: اسراء.

- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۷). *فلسفه حقوق بشر*. قم: اسراء.
- حسینی، عبدالرحیم. (۱۳۸۹). بازاندیشی نظریه سعادت در فلسفه اسلامی. *فصلنامه فلسفه دین*، ۷(۳)، ۶۳-۸۱.
- خواص، امیر. (۱۳۸۱). *بررسی تطبیقی سعادت از دیدگاه افلاطون، ارسطو و امام محمد غزالی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده الهیات و معارف اسلامی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- رحمانی، مرتضی. (۱۳۹۷). *کمال و سعادت حقیقی انسان بر مبنای ویژگی‌های فطرت و استعداد‌های درونی*. پایان‌نامه سطح سه مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- زارغان، محمدجواد. (۱۳۹۷). *ایمان، بنیاد ارزش‌ها*. چکیده مقالات اولین همایش بین‌المللی تعلیم و تربیت مبتنی بر ارزش‌ها: گرایش‌های معاصر و چشم‌اندازهای اسلامی، قم: جامعه المصطفی (ص).
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۸۴). *المیزان فی تفسیر القرآن* (ترجمه محمدباقر موسوی همدانی). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عباسی مطلق، محمد. (۱۳۹۹). *بررسی هستی‌شناسی مادی و معنوی از دیدگاه قرآن با تکیه بر تفسیر تسنیم*. پایان‌نامه سطح سه مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- فیض، علیرضا. (۱۳۶۱). *مبایذ فقه و اصول*. تهران: دانشگاه تهران.
- لک زایی، رضا. (۱۳۹۰). سعادت متعالیه از منظر آیت‌الله جوادی آملی. *فصل‌نامه حکمت اسراء*، ۳(۱)، ۹۳-۷۷.
- محسنی، محمدسالم. (۱۳۹۳). سعادت از منظر فلسفه‌های مشاء، اشراق و حکمت متعالیه. *ماهنامه معرفت*، ۲۳(۶)، ۲۵-۳۴.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۲). *به‌سوی خودسازی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- نادی نژاد، فاطمه. (۱۳۹۲). *بررسی تطبیقی هستی‌شناسی و پیامدهای تربیتی آن از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی و آگوستین*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه کرمان.
- Annas, J. (1993). *The Morality of Happiness*. Oxford University Press
- Clark, K, J, & Samuel, A. (2011). *Morality and Happiness*. <https://www.researchgate.net/publication/290273346>
- Effingham, N. (2013). *An Introduction to Ontology*. Polity.
- Fernhout, H. (1989). Moral Education as Grounded in Faith. *Journal of Moral Education*, 18(3), 186-198.
- Poli, R, Seibt, J., Healy, & M, Kameas, (2011). *Theory and Applications of Ontology*. Springer Netherlands.
- Porter, J. (2014). The Desire for Happiness and the Virtues of the Will. *Journal of Moral Theology*, 3(1), 18-38.
- Scarlato, M, C, & Kohm, L, M. (1999). Integrating Religion, Faith, and Morality in Traditional Law School Courses. *Regent University Law Review*, 11(1), 49-69.
- Shau, K. (2018). *Aristotle on Happiness: An Analysis*. <https://kevinshau.medium.com/aristotle-on-happiness-an-analysis-1d5f57dd192>





الملخص

الغرض من البحث الحالي هو شرح الأسس الأنطولوجية لأخلاقيات السعادة واستنتاج آثارها في مبادئ التربية الأخلاقية من وجهة نظر آية الله الجوادى الآملى. طريقة البحث استنتاجية ومن أجل جمع البيانات اللازمة لتحقيق أهداف البحث، تم جمع المصادر الموجودة وذات الصلة في مجال الأنطولوجيا والأخلاق القرآنية لآية الله الجوادى الآملى في ست خطوات باستخدام أوراق المصادر. تظهر نتائج البحث أن حقيقة السعادة من وجهة نظر آية الله الجوادى الآملى هي طلب فطرى-عقلانى، ويعتمد تحفيزه على نوعية التربية الأخلاقية، تظهر هذه الرغبة عندما تجد النفس البشرية النقاء والاستنارة و اوجد شرائط الاختيارية لارضية تحفيزها. وإلا فإن هذه الرغبة تظل مستترة تحت ستار الرغبات الدنيوية والطبيعية التى تتعارض مع الفطرة والعقلانية. مثل هذه الرغبة الفطرية والعقلانية تقوم على أسس معرفة الحقيقة مثل : الوجود منه و نحوه، وكونها هادفة، والسير نحو الكمال المطلق، والحاجة الى العدالة، والابتناء على الفطرة، والكرامة الإنسانية و شرفه بالنسبة الى المخلوقات الأخرى. من هذه الأسس، يمكن للمرء أن يصل إلى مبادئ مثل ذكر الله، والتمحور على الحكمة، والتوجه الى الكمال، و طلب العدالة، والاتجاه نحو الإيمان، و التوجه الى الفطرة، والكرامة، والتي يمكن استخدامها في التربية الأخلاقية المؤدية إلى السعادة.

الكلمات الرئيسية: أخلاق السعادة، أسس الأنطولوجيا، مبادئ التربية الأخلاقية، آية الله الجوادى الآملى.